

تأثیر ماهیت انقلابیان بر ضعف دستگاه سرکوب رژیم شاه

ابراهیم صالح آبادی*

چکیده

یکی از عوامل شکست ارتش پهلوی، ماهیت و وضعیت انقلابیان بود که در نحوه برخورد و مبارزه آنها با رژیم شاه متبلور شد. به نظر نویسنده، رهبران انقلابی با استفاده از سردرگمی ارتش در جریان انقلاب و با بیان‌های خویش، زمینه را برای جذب و پیوستن ارتش به انقلابیان فراهم ساختند. روابط دیپلماتیک بین سران ارتش و انقلابیان نیز منجر به تغییر گفتمان در زمینه حل بحران شد و سران ارتش و فرماندهان را به صورت روانی متقاعد کرد که راه حل بحران از طریق گفتمان سیاسی است، نه گفتمان نظامی. فرهنگ شهادت و روحیه شهادت طلبی نیز، استفاد از راه کار کشتار را درازمدت ناکارآمد ساخت و مراسم چهلم و عزاداری (ناشی از کشته شدن هریک از انقلابیان)، بسیج سیاسی را در سطح وسیع تری ممکن ساخت و آن را به سایر شهرها تسری داد. لذا سران ارتش و فرماندهان رژیم شاه با آگاهی از این امر، کشتار بیشتر را محدود کردند.

واژگان کلیدی

ماهیت انقلابیان، ارتش، ضعف دستگاه سرکوب، انقلاب ایران.

abrahimsalehabadi@yahoo.com

*. استادیار دانشگاه پیام نور اسفراین.

تاریخ تأیید: ۸۹/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۱۵

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی - اجتماعی را دچار حیرت کرد. بررسی شرایط نظام حاکم در سال ۵۷ و همچنین امکانات فراوان نظامی رژیم شاه و حمایت آمریکا از شاه، پیروزی انقلاب را بسیار دور از انتظار و حتی غیرممکن، جلوه‌گر می‌ساخت.

محمد رضا شاه به‌عنوان فرمانده کل قوا به‌ارتش و قوای مسلح خویش^۱ توجه زیادی داشت. (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ۲۲۹؛ فوران، ۱۳۷۸: ۴۶۵) رژیم شاه در سال ۱۳۵۶ بزرگترین نیروی دریایی را در خلیج فارس، پیشرفته‌ترین نیروی هوایی را در خاورمیانه و پنجمین ارتش بزرگ جهان را داشت. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۹۹) شاه برای تقویت بنیاد ارتش، سازمان‌های امنیتی را نیز توسعه داد، لذا نیروی ساواک به ۵۳۰۰ مأمور تمام‌وقت و تعداد زیادی افراد ناشناس خبرچین پاره‌وقت رسید. (همان)

شاه، علاوه بر تقویت ارتش و واحدهای اطلاعاتی (ساواک و رکن دوم و دفتر ویژه)، نیروهای پلیسی را نیز افزایش داد. دژبانی، شهربانی، ژاندارمری و گارد شاهنشاهی، نیروهای پلیسی شاه بودند. تعداد افراد گارد شاهنشاهی در سال ۱۳۵۶، ۸/۰۰۰ نفر و ژاندارمری ۶۰/۰۰۰ نفر بود. (همان: ۳۹۸ و ۳۹۹)

خرید تسلیحاتی شاه نیز از تقویت قدرت نظامی وی حکایت داشت. میزان موافقت‌نامه‌های خرید تسلیحاتی که در طول بیست‌سال از ۱۹۶۹ - ۱۹۵۰ تنها ۷۴۱ میلیون دلار بود، به‌رقمی معادل بیست‌میلیارد دلار در سال‌های بعد یعنی از ۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ رسید و ایران، بزرگترین خریدار سلاح از کشورهای آمریکا، انگلیس و فرانسه شد. (محمدی، ۱۳۷۴: ۸۰)

پلیس و ارتش شاه، برخلاف روال معمول تاریخ انقلاب‌ها، در فرایند انقلابی، درگیر

۱. البته توجه و علاقه شاه به‌ارتش، تحت تأثیر روابط شاه با آمریکا بود. توسعه ارتش و نیروهای پلیسی و اطلاعاتی در راستای سیاست‌های آمریکا انجام می‌گرفت و شاه با تکیه بر حمایت آمریکا، ژاندارم منطقه محسوب شد.

هیچ‌گونه شکست نظامی^۱ و فشاری از خارج که رژیم شاه را تضعیف کند، نبود. (اسکاچیل، ۱۳۷۹: ۲۶۷) رژیم شاه با داشتن چنین دستگاه سرکوبی در بهمن ۱۳۵۷ سقوط کرد و سقوط این رژیم، مسایل زیادی را برای محققان فراهم ساخت.

به‌نظر ما، آخرین مسئله لاینحل و بی‌پاسخ در موضوع انقلاب ایران، در رابطه با عدم سرکوب انقلابیان توسط رژیم شاه است. بنابراین، مسئله اساسی این مقاله این است که چرا ارتش و دستگاه سرکوب از نیروی خود برای سرکوب انقلابیان استفاده نکرد؟ و چرا ارتش در اوج بحران، بی‌طرفی خود را اعلام کرد؟

برای تبیین این مسئله، نمی‌توان به‌صورت کاملی از نظریه‌های انقلاب استفاده کرد. در واقع این مسئله، توجه نظریه‌پردازان انقلاب را کمتر جلب کرده است. اساس این مسئله، می‌تواند به‌دیدگاه یا نظریه‌ای منتهی شود که ضعیف‌شدن دستگاه سرکوب و نیروهای نظامی را شرط اساسی برای پیروزی انقلاب می‌داند. (بریتون، ۱۳۷۰: اسکاچیل، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۹؛ جانسون، ۱۳۶۳) براساس این نظریه، انقلاب‌ها پیروز نمی‌شوند، مگر اینکه دستگاه سرکوب به‌عللی ناتوان شود. (میرفخرایی، ۱۹۸۴: ۲) بنابراین، بررسی علل انقلاب، نیازمند شناخت علل ضعف نیروهای نظامی است. در این دستگاه فکری، با داشتن نیروهای نظامی حرفه‌ای و منسجم، می‌توان از انقلاب جلوگیری کرد. نطفه‌های پیروزی به‌وسیله ارتش کاملاً مجهز خفه شده و امید آن به‌حداقل می‌رسد.

از آنجا که بررسی همه عوامل مؤثر در ناتوانی و ضعف دستگاه سرکوب، در این مقاله امکان‌پذیر نیست، ما تلاش می‌کنیم تا به‌نقش ماهیت انقلابیان در ناتوانی دستگاه سرکوب بپردازیم.

۱. مداخله شاه در جریان جنگ داخلی یمن شمالی، امارات متحده عربی، عمان (ظفار)، پاکستان و عراق، نشانگر جنبه دفاعی از ایران نبود، بلکه نمایانگر توسعه‌طلبی شاه بود که با حمایت آمریکا انجام می‌شد. کنارگذاشتن ادعای مالکیت و ازدست‌دادن بحرین نیز در راستای منافع آمریکا تلقی می‌شود نه نمایانگر شکست شاه از کشورهای منطقه. (برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به‌هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۵۹ و ۲۵۵)

مباحث نظری و ادبیات تحقیق

شکست یا ناتوانی ارتش و دستگاه مربوطه در سرکوب مخالفان، بیشتر مسئله اجتماعی - سیاسی است تا یک مسئله کاملاً نظامی. اجتماعی دیدن شکست و ناتوانی ارتش، مستلزم بررسی عوامل غیرنظامی و فرانظامی است. عوامل فرانظامی و غیرنظامی که می‌تواند دستگاه سرکوب را ناتوان کند، عبارتند از:

۱. ساختار دستگاه سرکوب.^۱

۲. شرایط بین‌المللی.

۳. ناهماهنگی درسیاست سرکوب و سازش.

۴. ماهیت انقلابیان. (صالح آبادی، ۱۳۷۹: ۴۳)

نظریه‌هایی که به مطالعه ضعف دستگاه سرکوب در رابطه با ماهیت انقلابیان توجه کرده‌اند، اندک است. در این رابطه تنها می‌توان به نظریه «جانسون و تیلی» اشاره کرد. در مورد علل ناتوانی ارتش شاه در سرکوب انقلاب ایران (در رابطه با ماهیت انقلابیان) نیز پژوهشی^۲ مستقل انجام نشده است. برخی تنها به این عامل به صورت جزئی و گذرا

۱. ساختار دستگاه سرکوب، امری سیاسی - اجتماعی است تا نظامی. ساختار اقتدارگرایی، تمرکز قدرت، ترکیب گروهی ارتش، نقش ارتش در سیاست کلی جامعه و ... امور سیاسی - اجتماعی هستند تا صرفاً نظامی.

۲. در زمینه نقش ارتش در انقلاب اسلامی، آثار انگشت‌شماری وجود دارد که تنها یکی از آنها به رابطه «ماهیت انقلابیان» و «ضعف دستگاه سرکوب» پرداخته است (پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده). تا این تاریخ (در حد شناخت محقق) پنج تحقیق در این زمینه وجود دارد (دو مقاله، دو رساله و یک کتاب) که عبارتند از:

۱. لطفیان، سعیده، ۱۳۸۰، *ارتش و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲. حاضری، علی‌محمد و ابراهیم صالح آبادی، ۱۳۸۳، «ساختار دستگاه سرکوب و فروپاشی رژیم شاه»، تهران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۳.

۳. صالح آبادی، ابراهیم، ۱۳۷۹، *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در ضعف دستگاه سرکوب رژیم شاه در انقلاب اسلامی*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

اشاره کرده‌اند. «میرفخرایی» به عامل «تدابیر انقلابیان» در بی‌طرفی ارتش (میرفخرایی، ۱۹۸۴: ۲) و «سمتی» بر عامل «تلاش عمدی مخالفان» برای تضعیف روحیه ارتش (سمتی، ۱۳۷۷) اشاره می‌کند.

جانسون یکی از نظریه‌پردازان کارکردگرا^۱ است که انقلاب را از نظر کارکردگرایی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. در نظر وی، انقلاب حاصل ناتوانی و شکست یک نظام اجتماعی است. انقلاب، شکلی از خشونت است که از بطن نظام اجتماعی، زاده می‌شود. نظام اجتماعی می‌تواند توسط دوزخ نظم به حیات خود ادامه دهد؛ نظم ناشی از زور و نظم ناشی از وحدت ارزش‌های مشترک. (جانسون، ۱۳۶۳: ۳۵ - ۳۱) در صورتی که نظام اجتماعی، نامتعادل شود و ارزش‌ها نتواند افراد را در حالت انسجام و نظم قرار دهند؛ استفاده بیش از حد از زور و قدرت باعث تورم و رکود قدرت می‌شود. در چنین زمانی، رهبران سیاسی قادر به پیاده کردن سیاست‌ها برای حفظ جامعه و نظم اجتماعی نیستند و جریان انقلابی رخ می‌دهد. جانسون معتقد است که در این حالت، حکومت پلیسی ایجاد می‌شود. (همان: ۹۶ و ۹۷)

شرایط مذکور، شرایط ساختاری هستند که «شرایط لازم» برای انقلاب می‌باشند. ناتوانی نخبگان در حفظ قوه قهریه و ضعف در سرکوب انقلابیان، یکی از شرایط کافی برای انقلاب هستند. این شرایط در نزد جانسون، شرط کافی عوامل شتابزا^۲ هستند. (همان: ۱۰۳) در نظر جانسون، سه نوع عامل شتابزا وجود دارد که برخی از آنها مربوط

۴. درویش سه تلانی، فرهاد، ۱۳۷۸، «فروپاشی رژیم شاه در ایران»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

5. Mirfakhraei, Hooshmand, 1984, *Imperial Iranian Armed forces and the revolution of Iran*, Microfilms, International University.

۱. تحلیل کارکردگرایی، تبیینی است که مبین (تبیین شونده) را در دل نظامی از متفاعل می‌نشانند که خود در حالت تعادل دینامیک یا تحولی کنترل شده است و حضور هر جنبه یا عنصر را بر حسب سودمندی که برای کل نظام دارد، تبیین می‌کند. (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۵۲)

۲. عوامل شتابزا، آنهایی هستند که به محض ظاهر ساختن ناتوانی نخبگان در حفظ اعضای خود، بروز انقلاب را ممکن می‌سازد. (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۰۳)

به قوه قهریه و دستگاه سرکوب است:

۱. عواملی که مستقیماً بر قوای مسلح تأثیر می‌گذارند و استحکام نظامی را می‌گسلند.
۲. عواملی که بخشی از فرهنگ انتقالی یک ایدئولوژی انقلابی است. به این معنی که انقلابیان باور داشته باشند که می‌توانند بر قوه مسلح حکومتی فائق آیند.
۳. عواملی که مربوط به عملیات مشخص است و توسط گروه‌های توطئه‌گرا (چریکی‌های نظامی) انجام می‌شود. (همان: ۱۰۴)

تیلی با تمایز وضعیت انقلابی از نتایج انقلابی، معتقد است که کنترل ابزار اجبار (نیروهای مسلح) زمینه را برای پایان دادن به وضعیت انقلابی و حاکمیت چندگانه فراهم می‌سازد. به نظر وی، عوامل مستقیم ایجادکننده نتایج انقلابی عبارتند از:

۱. جدایی اعضای جامعه از حاکمان مستقر.
۲. دستیابی به نیروهای نظامی و مسلح توسط ائتلاف‌های انقلابی.
۳. اعلام بی‌طرفی و یا ترک نیروهای نظامی از اردوگاه رژیم کنونی.
۴. تسلط و کنترل اعضای ائتلاف انقلابی بر دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی. (تیلی، ۱۳۸۳: ۴۳)

در نزد تیلی، عدم تمایل ارتش برای کنترل یا متلاشی کردن گروه‌های انقلابی می‌تواند به این علل باشد:

۱. شکست در یک جنگ.
۲. رشد قدرت نظامی گروه مقابل.
۳. تغییر سریع شخصیت‌ها، سازماندهی و زندگی روزمره.
۴. پیوند عاطفی با مردم انقلابی. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۴۹)

همچنانکه ملاحظه می‌شود، در این نظریه‌ها ماهیت انقلابیان به عنوان یک مبین، تنها به «رابطه عاطفی» ارتش با مردم، «کنترل ابزارهای اجبار» یا به «عزم راسخ انقلابیان» تقلیل یافته است. به نظر ما، این متغیر به‌انحای دیگر نیز می‌تواند در ضعف

سرکوب اثر بگذارد که در ادبیات نظری، کمتر به آن توجه شده است. به دلیل نبود ادبیات نظری در زمینه مورد تحقیق، ما در این مقاله از طریق روش اکتشافی مبین‌های محتمل و مؤثر را استخراج کردیم و آنها را مورد آزمون قرار دادیم. بر مبنای این روش، ما ماهیت انقلابیان را به سه عامل تقسیم کردیم:

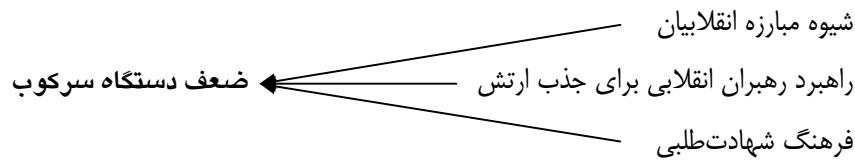
۱. شیوه مبارزه: ماهیت انقلابیان با پایگاه اجتماعی - سیاسی آنها ارتباط دارد و در شیوه مبارزه آنها نمود پیدا می‌کند. پایگاه اجتماعی - سیاسی مخالفان رژیم در فرایند انقلاب، چند طیف گوناگون دارد. در بیشتر انقلاب‌ها، افراد استراتژی‌های گوناگونی را برای مبارزه انتخاب می‌کنند؛ مانند استراتژی کوه (فیدل کاسترو)، استراتژی دهکده (مائو)، استراتژی اتحادیه کارگری (لنین) و استراتژی جنگل (چه‌گوارا). مبارزه مسلحانه از یک‌سو و روابط دیپلماتیک از سوی دیگر، نقاط انتهایی چنین شیوه‌هایی هستند. تظاهرات، اعتصابات، گفتگو و گل‌دادن از سوی انقلابیان، شیوه‌های مبارزه هستند و نحوه برخورد رژیم و دستگاه سرکوب با چنین شیوه‌هایی، نقش تعیین‌کننده در پیروزی انقلابیان و یا رژیم دارد. رژیم‌ها در زمان انقلاب، دچار تشتت آرا در برخورد با انقلابیان می‌شوند و قادر نیستند که پیش‌بینی‌های لازم برای مبارزه را انجام دهند.

۲. راهبردهای انقلابیان برای پیوستن ارتش به آنها: این مبین در نظریه تیلی و جانسون مطرح شد. بررسی راهبردهای انقلابیان برای پیوستن ارتش به آنها، بیشتر معطوف به تلاش رهبران انقلابی است. دعوت از ارتش برای پیوستن به انقلابیان در اکثر انقلاب‌ها مشاهده می‌شود. میزان پیوستن ارتش به انقلابیان نیز به عوامل گوناگونی بستگی دارد که عبارتند از: مشروعیت حکومت یا مخالفان، نزدیکی ارتش به حکومت یا مخالفان، میزان اشتراک ارتش با ارزش‌های حکومت یا مخالفان و میزان پیروی ارتش از رژیم یا مخالفان.

۳. فرهنگ مقاومت انقلابیان: این متغیر که از اندیشه‌های فوران (فوران، ۱۹۹۷) به نظریه‌های انقلاب راه‌یافته و به‌عنوان فرهنگ مقاومت مطرح می‌شود را به‌روحیه شهادت‌طلبی تقلیل داده‌ایم که نشانگر اشتیاق مردم برای شهادت بعد از کشتار اولیه

است. این عامل می‌تواند راهبرد کشتار را بی‌اثر سازد.
با عنایت به مطالب مذکور، در پاسخ به سؤال اصلی مقاله می‌توانیم سه فرضیه را طرح کنیم:

۱. شیوه مبارزه انقلابیان، موجب شد که دستگاه سرکوب رژیم نتواند آنها را سرکوب کند.
 ۲. راهبرد رهبران انقلابی برای جذب ارتش، منجر به ضعف دستگاه سرکوب شد.
 ۳. فرهنگ شهادت‌طلبی اثر برخی از ابزارهای سرکوب را خنثی ساخت.
- با توجه به سه فرضیه مذکور، این مدل را استخراج می‌کنیم:



روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، روش نمونه‌پژوهی یا مطالعه موردی^۱ است. واحد تحلیل در این مقاله، دستگاه سرکوب در طول زمان تحقیق (۱۹ دی ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) است. روش گردآوری اطلاعات نیز، استفاده از اسناد و مدارک^۲ است. در این مقاله بیشتر از نقل تاریخی - روایت تاریخی - برای تعیین مکانیسم‌های علی استفاده می‌شود. وظیفه روایت

۱. هنگامی که محقق با یک مورد خاص، شاذ و غیر معمولی (از نظر دیدگاه‌های نظری) روبه‌رو می‌شود، می‌تواند از راهبردهای مطالعه موردی استفاده کند. برادشاو و والاس مطالعه موردی را در شرایطی که محقق، شناخت کافی از مورد ندارد و نمی‌داند که موقعیت مورد در دیدگاه نظری کجاست و یا اینکه مورد با دیدگاه‌های نظری هماهنگ نیست، ضروری می‌دانند. (برادشاو و والاس، ۱۹۹۱: ۱۵۴)
۲. از آنجاکه تحقیق کنونی، یک تحقیق تاریخی به معنی دقیق آن نیست، اعتبار مدارک و اسناد، مفروض گرفته شده است. به عبارت دیگر، به اظهارات و دیدگاه صاحب‌نظران تاریخی، مورخان و گزارش‌نویسان بسنده می‌شود و به صحت و سقم اسناد، التفات نمی‌شود. همچنان که دوورژه می‌گوید: «صداقت در تحلیل جامعه‌شناختی مطرح نیست». (دوورژه، ۱۳۷۵: ۱۰۴)

تاریخی یا نقل تاریخی این است که رشته حوادث را از علت به معلول وصل کند که پاره‌ای از این پیوندها، گاه بی‌قانونند، مانند تصمیم ناگهانی فردی ذی‌نفوذ و گاه، محکوم نظم‌های اجتماعی. (لیتل، ۱۳۷۳، ۴۲) شکل صحیح آدرس درون متن به این صورت است. (همان)

بنابراین، برای تبیین ضعف دستگاه سرکوب در اینجا دو کار را انجام می‌دهیم:

۱. نقل تاریخی؛

۲. ارائه فرضیاتی عام در باب تأثیر و تأثرهای اجتماعی بین دو پدیده.

تعریف مفاهیم

۱. **دستگاه سرکوب:** در تعریف این مفهوم، نخست باید به این نکته توجه کنیم که هنگامی ارتش جزو دستگاه سرکوب محسوب می‌شود که در برابر تهدیدات داخلی قرار گیرد و اقداماتی را انجام دهد. به کارگیری مفهوم دستگاه سرکوب در موردی که ارتش در برابر تهدیدات خارجی است، موضوعیت ندارد. این مطلب در مورد نیروهای اطلاعاتی ساواک نیز صادق است. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه ما با واقعیت واحد و یکسانی در مورد ارتش و ساواک روبه‌رو هستیم، هرگاه این واقعیت در برابر تهدیدات داخلی قد علم کند، دستگاه سرکوب نامیده می‌شود و هرگاه در برابر تهدیدات خارجی به کار رود با مفهوم دیگری شناخته می‌شود. با عنایت به این نکته، در تعریف مفهوم دستگاه سرکوب، می‌گوییم:

دستگاه سرکوب، مجموعه‌ای از مؤسسات اطلاعاتی، امنیتی و نظامی است که وظیفه آنها استقرار نظم و مقابله با تهدیدات داخلی کشور (اعتصابات، تظاهرات، درگیری‌های خیابانی، تحصن و ...) است.

ما در این تعریف، «سرکوب کردن» را با وجود داشتن معنای منفی، در معنای منفی به کار نبرده‌ایم. هر یک از اجزای این دستگاه، وظایف خاصی دارند و برای آنها مشخص و تحدید شده است.

۲. **ضعف دستگاه سرکوب:** با توجه به تعریف دستگاه سرکوب، ضعف این دستگاه در این

موارد به کار می‌رود:

الف) اعلام بی‌طرفی ارتش: در این مقاله مفهوم اعلام بی‌طرفی ارتش زمانی شاخص ضعف دستگاه سرکوب است که مخالفان سعی می‌کنند ارتش را هنگام درگیری، بی‌طرف و خنثی بسازند.

ب) اختلاف در صفوف فرماندهی ارتش: این متغیر، دلالت بر آشفتگی‌های سران و فرماندهان ارتش در نحوه برخورد با مبارزه انقلابیان است.

ج) به هم خوردن تعادل و توازن نیروها: این مفهوم در صورتی در معنای ضعف به کار می‌رود که تعادل نیروها به نفع گروه انقلابیان تمام شود.

د) عدم به کارگیری راهبردهای سرکوب: ناتوانی در به کارگیری ابزارها و شیوه‌های مقابله، به معنای ضعف دستگاه سرکوب است که مصادیق آن عبارتند از: ناتوانی در دستگیری با عدم استفاده از راهکار دستگیری، ناتوانی در اعدام، ناتوانی در کشتار و عدم صدور فرمان تیراندازی و خویشتن‌داری و ...

۳. ماهیت انقلابیان: ماهیت انقلابیان در سه شکل: شیوه مبارزه، راهبردهای انقلابیان، برای پیوستن ارتش به انقلابیان و فرهنگ شهادت انقلابیان، بررسی شد.

شیوه مبارزه انقلابیان

آزمون فرضیه اول: ادعای فرضیه این است که روش و شیوه مبارزه انقلابیان به گونه‌ای بود که برخی از آنها سرکوب نشدند و در صورت سرکوب، کارایی نداشته است.

انقلابیان از شیوه‌های گوناگونی برای مبارزه و مقابله با رژیم شاه استفاده می‌کردند.

در طول دوره تحقیق، ما با پنج‌نوع شیوه مبارزه روبه‌رو بودیم که عبارت است از:

۱. اعتصاب: اغلب توسط کارگران، کارمندان دولت، مطبوعات و زندانیان سیاسی و

عادی انجام شده است؛

۲. تحصن و بست‌نشینی: اغلب به وسیله روحانیان و مردم عادی انجام می‌شد؛

۳. تظاهرات: شیوه مبارزه مردم عادی و روحانیان بود. سایر گروه‌ها نیز از این

روش استفاده می‌کردند؛

۴. مبارزه مسلحانه: شیوه مبارزه «سازمان‌های تندرو و رادیکال»، از قبیل: مجاهدین مارکسیست، مجاهدین اسلامی، سازمان چریکی فدایی خلق ایران و گروه‌های کوچک اسلامی بود. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۴۳)

۵. روابط دیپلماتیک: شیوه مبارزه افراد سیاسی نهضت آزادی ایران و به‌صورت کمتر، جبهه ملی بود.

موارد مذکور به‌صورت نظری تفکیک شده ولی در عالم واقع، چنین تفکیکی به‌این صورت مطرح نبود و امکان استفاده یک گروه انقلابی از پنج روش مذکور، وجود داشت. لازم به‌تذکر است که علاوه بر موارد مذکور، مسجد به‌عنوان کانونی برای انقلاب و مکان و شیوه مبارزه برای روحانیان، بازاری‌ها و دانشجویان بود. ما این مورد را با شیوه مبارزه بست‌نشینی و تحصن مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱. اعتصابات: این شیوه مبارزه به‌عنوان روش و راهبردی مطرح بود که کارکنان دولت، کارگران و کارمندان نفت، گاز، معدن، مطبوعات، آب، برق و ... از آن استفاده می‌کردند. با تحلیل وقایع و رویدادهای عینی در انقلاب، این نتیجه حاصل می‌شود که اعتصابات تنها در صورتی سرکوب شد که از حالت اقتصادی خارج و شکل سیاسی به‌خود می‌گرفت. در طول دوره تحقیق، اعتصابات تنها چهاردفعه مورد سرکوب قرار گرفته که عبارت است از:

۱. ۲۴ مهر ۱۳۵۷ که کارگران اعتصابی دستگیر شدند.

۲. ۱۰ آبان ۱۳۵۷ که مأمورین با کارگران درگیر شدند.

۳. ۱۴ آبان ۱۳۵۷ که کارگران نفت با مأمورین درگیر شدند.

۴. بهمن ۱۳۵۷ که مأمورین به کارگران اعتصابی نفت حمله کردند.

با توجه به کم‌بودن سرکوب در فرآیند انقلاب، می‌توانیم نتیجه بگیریم که اکثر اعتصابات در انقلاب اسلامی به‌دلیل اقتصادی بودن شیوه مبارزه، سرکوب نشده‌اند. در بررسی بیشتر، مشخص شده که اعتصابات، کمتر سرکوب شده‌اند و هنگامی که

اعتصابیان، دست به تظاهرات زده‌اند، سرکوب شده‌اند.

تأثیر عدم سرکوب اعتصابات در ارتش خطرناک بود. در پی اعتصاب کارگران، مشکلاتی در زمینه تهیه مایحتاج ارتش ایجاد شد. خودداری شرکت ملی نفت، یک‌تصمیم آگاهانه و عمدی بود که هدف آن تخلیه کامل ذخایر بنزین ارتش و رساندن آن به صفر و در نهایت، فلج کردن ارتش بود. ژنرال «هایزر» در این مورد چنین می‌نویسد:

در اثر اعتصابات نفتی، ذخایر ارتش تحلیل رفته بود، تنها سوخت مصرفی ارتش و نیروهای هوایی از طریق عربستان سعودی دریافت می‌شد که هم دریافت آن مشکل بود و هم گران تمام می‌شد. نیروی زمینی، گازوئیل و بنزین مورد استفاده اتومبیل‌ها را هم نداشت. (هایزر، ۱۳۶۵: ۳۵)

وی مشکل اصلی ارتش را طی تلگرافی به «براون»، کمبود بنزین و گازوئیل برای خودروها و تانک‌ها می‌داند. (همان: ۳۵) البته این مشکل با صادرات نفت از آمریکا به ایران به مقدار ۲۰۰/۰۰۰ بشکه در روز در ۲۴ ژانویه (اوایل بهمن) حل شد. (استمپل، ۱۳۷۷: ۲۴۰)

این مشکل در تحلیل مذاکرات فرماندهان ارتش نیز طرح شده است. «خواجه‌نوری» (رئیس اداره سوم ستاد بزرگ ارتشتاران) به این مسئله اشاره می‌کند:

مسایل ما آن است که ... این واحدها سوخت ندارند. برق نیست، چون اعتصابات است و اگر به محض اینکه شروع کردیم همین امروز سوخت هم قطع شد دیگر واحدها [نمی‌توانند کار بکنند]. (بی‌نا، ۱۳۶۶: ۱۱۷)

«نجیمی نائینی» (مشاور رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران) این مشکل را اساسی می‌داند

و می‌گوید:

بررسی کردیم. ما نمی‌توانیم پالایشگاهها را به کار بیندازیم، فقط می‌توانیم یک مقداری نفت خام [بیاوریم]. انرژی نیست، سوخت نیست، تانک‌ها نمی‌توانند حرکت کنند. هواپیماها نمی‌توانند حرکت کنند. وسایل نمی‌تواند حرکت کنند. مردم را نمی‌شود نگه داشت. (همان: ۲۴۲)

بنابراین، اعتصابات در انقلاب ایران به‌طور جدی مورد توجه دستگاه سرکوب قرار نگرفت.^۱ عدم سرکوب اعتصابات موجب شد که در بین سران ارتش، دلهره‌ای از این بابت ایجاد و منابع تأمین نفتی ارتش دچار اختلال شود.

۲. تحصن، بست‌نشینی و مسجد: در بررسی این عامل، ابتدا به‌اهمیت مسجد در انقلاب می‌پردازیم و سپس فرضیه خود را می‌آزماییم.

مسجد در انقلاب اسلامی اهمیت فراوانی داشت. مساجد در انقلاب اسلامی توانستند بسیج سیاسی موفق‌تری را در سطح ملی ایجاد کنند. هرچند، بسیج سیاسی در برابر رژیم، با مخالفت نویسندگان، قضات، قانون‌گذاران، روشنفکران، ناشران و دانشجویان دموکرات و سکولار آغاز شد، ولی بیشتر این مخالفت‌ها به‌دلیل سیاست‌های سرکوب بلندمدت دولت، فراتر از تهران نرفت. بسیج موفق در سطح بالا از طریق مساجد صورت گرفت؛ زیرا مساجد در بیشتر سال برای اهداف مذهبی قابل استفاده و برای تظاهرات و مراسم سوگواری، بدون دخالت دولت، باز و دردسترس بودند. در این سال‌ها، مساجد تنها مؤسسه‌ای برای بسیج گروه مخالف در مقیاس ملی بودند. مطالعات، تعداد مساجد را در سرتاسر ایران بین ۲۰/۰۰۰ تا ۸۰/۰۰۰ که شامل ۵/۰۰۰ مسجد شهری است، تخمین می‌زنند. (راسلر، ۱۹۹۶: ۱۶۱) علاوه بر تعداد زیادی از مساجد که در طول دوران انقلاب باز بوده‌اند، هیئت‌های مذهبی بزرگی نیز در ایران وجود داشت که در دوران انقلاب، نقش مهمی را ایفا کردند. «فرد هالیدی» در این‌باره چنین می‌نویسد:

علاوه بر مساجد، مقدار بیشماری از اماکن مقدسه و مذهبی در کشور موجود است که مردم برای مراسم سوگواری، تلاوت قرآن یا برگزاری مراسم شهادت امام حسین × در ماه محرم به آن هجوم می‌آورند، گفته می‌شود که رقم چنین اماکن مقدسه در حدود ۱۲۰۰ است و ۳۰۵ عدد آنها فقط در تهران واقع شده است. با این ترتیب مشاهده می‌شود که اسلام

۱. به‌دلیل فراگیر شدن اعتصابات در دو سال آخر عمر رژیم، رژیم قادر به سرکوب اعتصابات نبود، ولی قبل از این تاریخ، اعتصابات به‌شدت سرکوب می‌شد.

در ایران، خود سازمان و تشکیلات عظیمی دارد که از دولت جداست و از کنترل مستقیم شاه خارج است. (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۳۹)

باعنایت به اهمیت فراوان مساجد، رژیم شاه نتوانست کنترلی بر مساجد داشته باشد و آنها را سرکوب کند. در طول انقلاب، مساجد و مکان‌های مقدس، پنج‌بار مورد سرکوب قرار گرفته که عبارت است از:

۱. ۲۴ مرداد ۱۳۵۷: حمله به مسجد لرزاده در تهران.

۲. ۲۶ مرداد ۱۳۵۷: حمله به مساجد امام حسین، لرزاده و آذربایجانی‌ها.

۳. ۴ شهریور ۱۳۵۷: محاصره نظامی حرم حضرت معصومه.

۴. ۲۴ مهر ۱۳۵۷: حمله به اجتماع مردم کرمان در مسجد جامع این شهر.

۵. ۲ آذر ۱۳۵۷: حمله به حرم امام رضا و کشتار در حرم.

وقایع عینی و رویدادهای دوران انقلاب، نشان می‌دهد که روش تحصن، نسب به‌حجم زیاد آن، کمتر از سوی رژیم مورد سرکوب قرار گرفته است. در حمله به این مکان‌ها یک نوع اختلاف نظر بین مقامات و فرماندهان ارتش و شورای امنیت ملی وجود داشت.

در تحلیل مذاکرات فرماندهان ارتش، محدودیت‌هایی وجود داشت که دستگاه سرکوب قادر به حذف چنین محدودیت‌هایی نبود و به‌همین دلیل، نتوانست مساجد را سرکوب کند. در اینجا به‌مواردی از این مذاکرات اشاره می‌شود:
مقدم (رئیس ساواک):

ممکن است درب مساجد را ببندیم. احتمالاً تشنجاتی ایجاد می‌گردد؛ ولی به تدریج رفع خواهد شد. اما این عمل با فرمایشات و اوامر ملوکانه مغایرت دارد. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: ج ۳۹)

ازهاری (رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران):

در مسجد قبا که ظرفیت سه‌هزار نفر را دارد، یازده‌هزار نفر جمع می‌شوند

... آنها نقشه و طرح دارند. از نقشه آنها چه اطلاع داشته باشیم و چه نداشته باشیم بر طبق اوامر، علیه آنها اقدام نمی‌شود. (همان: ۴۶)

مقدم:

مساجد جایی است که در اختیار ما نیست؛ آخوندی که تبلیغ می‌کند در اختیار ما نیست. (همان: ۴۷)

سپهبد رحیمی (رئیس اداره یکم ستاد بزرگ ارتشتاران):

این فعل و انفعالات [تقسیم اسلحه] در داخل مساجد صورت می‌گیرد که مأمورین فرمانداری نظامی اجازه داخل شدن به آنها را ندارند. البته اگر هم مقرر گردد داخل شوند، مسلماً خونریزی خواهد شد که دستور داده شده باید احتراز شود. (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۳۲۵)

بدین ترتیب، مساجد به‌عنوان شیوه مبارزه و مقابله، کمتر سرکوب شد. استمپل، وابسته سیاسی سفارت آمریکا، در این زمینه چنین می‌نویسد:

عجیب اینست که دولت هیچگونه کوششی برای دخالت در شبکه مساجد بعمل نیاورد و آنرا تحمل کرد. (استمپل، ۱۳۷۷: ۷۱)

وی در جای دیگر نیز به‌این امر اشاره می‌کند و می‌نویسد:

با این حال، شاه برای نابودی مخالفین متعصب و متنفذ در شبکه بسیار مؤثر مسجد کوششی بعمل نیاورد. (همان: ۱۹۲)

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که دستگاه سرکوب به‌علل متعدد، مساجد را کنترل نکرد. یکی از دلایل چنین امتناعی، دینی و مذهبی بودن چنین مکان‌ها بود که خارج از حوزه سرکوب بود و نظامیان در برخورد با این موارد با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند. در صورت سرکوب چنین مکان‌هایی، فعالیت‌های دیگری ایجاد می‌شد که قابل کنترل نبودند و آن روحیه شهادت طلبی است که بعداً به‌آن می‌پردازیم.

۳. **تظاهرات:** گزارشات تاریخی و حوادث انقلاب نشان می‌دهد که تظاهرات به‌شدت سرکوب شده است. روش مقابله رژیم شاه با تظاهرات، استفاده از راهکار کشتار بود و راهکار دستگیری به‌دلایلی^۱ انجام نمی‌شد. کشتار، همچنان که بعداً خواهیم نوشت، اثر منفی بر دستگاه سرکوب گذاشت.

۴. **مبارزه مسلحانه:** مبارزه مسلحانه در انقلاب اسلامی به‌عنوان شیوه غالب در بین رهبران انقلاب مطرح نبود. این شیوه به‌وسیله گروه‌های رادیکال اسلامی و چپ دنبال می‌شد. طبق گزارشات استمپل، چریک‌هایی که در ایران فعالیت می‌کردند بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ نفر بوده‌اند. (همان: ۸۱) وی مدعی بود که این افراد و گروه‌ها از تجربه مبارزه مسلحانه خوبی برخوردار بوده و دارای کادر کافی برای اقدام به‌عمل در دوران انقلاب ایران بوده‌اند. این گروه‌ها به‌طور کامل توسط ساواک شناخته نشد. (همان: ۴۸)

وقایع عینی نشان می‌دهد که رژیم شاه و دستگاه سرکوب در این دوره (۱۹ دی ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) تنها در یک‌مورد توانستند، مبارزه مسلحانه را سرکوب کنند که

۱. دستگیری و بازداشت مخالفان یکی از راهکارهای رژیم شاه بود. رژیم شاه با آزادی زندانیان سیاسی، عملاً چنین راهکاری را حذف کرد. گزارشات تاریخی نشان می‌دهد که بعد از حوادث ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، راهکار دستگیری اصولاً در مذاکرات و جلسات فرماندهان نظامی مطرح نبوده است. با نگاهی به تاریخ انقلاب، همچنان که می‌دانیم، در گزارشات تاریخی و روزشمار انقلاب دستگیری در حاشیه قرار گرفت و راهکار مبارزه با مخالفان، اکثراً کشتار بود. طبق وقایع تاریخی، دستگیری انجام گرفته قبل از ۱۹ دی ۱۳۵۶ به‌شدت زیاد بوده است. این امور را می‌توان از آزادی زندانیان سیاسی که تعداد آنها نیز کم نبوده است، استنتاج کرد. در فاصله بین ۱۹ دی ۱۳۵۶ تا اواخر مرداد ۱۳۵۷، دستگیری مطرح بود، ولی چندان گسترده نبود. (دستگیری ۱۹ دی قم در سال ۵۶، دستگیری ۲۵۰ نفر در تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، دستگیری در تهران در ۲۶ فروردین ۱۳۵۷، دستگیری ۶۵ نفر در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۷ و دستگیری مهندس بازرگان در ۱۷ شهریور ۵۷) در فاصله بین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اطلاعات عمده‌ای که بر دستگیری گسترده مخالفین دلالت کند، گزارش نشده است. دستگیری‌های انجام شده، بدون گزارش نیز نمی‌تواند این نتیجه‌گیری را مخدوش سازد؛ چراکه مدارک دیگری نیز از حذف استراتژی دستگیری حکایت می‌کنند. این امر در صورت‌جلسه و مذاکرات فرماندهان شورای امنیت ملی و هیئت دولت، کاملاً مشهود است.

عبارت است از به‌شهادت رسیدن سیدعلی اندرزگو در درگیری مسلحانه با ساواک در ۲ شهریور ۱۳۵۷.

بنابراین، این شیوه مبارزه در انقلاب اسلامی کمتر سرکوب شده است (لازم به‌ذکر است که این مطلب تنها در مورد زمان تحقیق صحیح است و زمان‌های بعدی را شامل نمی‌شود).
۵. روابط دیپلماتیک: در فرایند انقلاب اسلامی روابط دیپلماتیک و ارتباطات سیاسی به‌منظور جلوگیری از خونریزی بیشتر بین مخالفین و دستگاه سرکوب برقرار شد. وقایع عینی نشان می‌دهد که مذاکره دیپلماتیک بین انقلابیان (بازرگان، سنجابی، فروهر و یزدی) با انجمن‌ها، مؤسسه‌ها، مجامع بین‌المللی، شاه، نخست‌وزیر، مقامات و فرماندهان ارتش و ... وجود داشت و این روابط سرکوب نمی‌شدند.

عدم سرکوب این روابط به‌دلیل فضای ایجاد شده توسط رژیم شاه و بیرون‌بودن از حیطه سرکوب بود. هنگامی که این افراد با فرماندهان ارتش گفتگو می‌کردند، از حوزه نظامی و سرکوب خارج می‌شدند (بازداشت‌هایی از این افراد در دوران تحقیق انجام گرفته است که تأثیری بر این روابط نداشته است).

این گونه روابط بر دستگاه سرکوب تأثیر مخربی داشت. روابط دیپلماتیک منجر شد تا مباحث مطرح شده برای مقابله در بین فرماندهان تغییر کند و به‌سوی مباحث سیاسی پیش رود. به‌طوری‌که در مذاکرات فرماندهان ارتش بعد از چنین گفتگویی، از راه‌حل‌های سیاسی برای حل بحران صحبت به‌میان می‌آید. استمپل در این باره چنین می‌نویسد:

ژنرال قره‌باغی و ژنرال مقدم برای رسیدن به‌توافق بین ارتش و نهضت مذهبی با مخالفین ملاقات می‌کردند. موافقت بعمل آمده بود تا هنگامیکه راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا منظم باشد، نیروهای مسلح دخالت نکنند. این توافق دو نتیجه مهم دربر داشت: ارتش و ساواک را به‌مذاکره مستقیم با مخالفین آشنا کرد که هر دو طرف برای اجتناب از مقابله خونین مایل به‌دادن امتیاز کمی هستند، امتیاز بسیار ناچیز و بالاخره برابری تقریبی، نیروی «ارتش - دولت» و «مردم - مخالفین» را به‌وضوح مشخص کرد.

(همان: ۲۱۱)

به‌طور خلاصه، در رابطه با شیوه‌های مبارزه می‌توانیم بگوییم:

الف) اعتصابات، تحصن، مساجد، مبارزه مسلحانه و روابط دیپلماتیک در دوسال آخر عمر رژیم، به‌طور زیادی توسط دستگاه سرکوب مورد سرکوب قرار نگرفت. اعتصابات به‌دلیل اقتصادی بودن آنها، تحصن به‌دلیل مقدس و دینی بودن، مبارزه مسلحانه به‌دلیل پیچیدگی خاص آن و روابط دیپلماتیک به‌دلیل سیاسی بودن، خارج از حوزه سرکوب قرار داشتند.

۲. عمل سرکوب، تنها در تظاهرات صورت گرفت. راهبرد اصلی دستگاه سرکوب به‌دلیل محدودیت‌های دستگیری، کشتار بود. این عمل، همچنان که بیان خواهیم کرد، با محدودیت روبه‌رو بود.

۳. در انقلاب اسلامی روابط دیپلماتیک نه تنها سرکوب و کنترل نشد، بلکه موجب تغییر گفتمان شد. این تغییر گفتمان به‌نوبه خود، محدودیت‌هایی را برای گفتمان نظامی ایجاد کرد. جانشین شدن گفتمان سیاسی به‌جای گفتمان نظامی، منجر به اعلان بی‌طرفی ارتش شد.

راهبردهای امام

آزمون فرضیه دوم تحقیق: این فرضیه مدعی است که راهبردهای امام (بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، مصاحبه‌ها و ...) به‌عنوان نماینده اکثریت مردم و انقلابیان، باعث مواردی از قبیل فرار سربازان، تمرد، اعلام همبستگی، اعلان بی‌طرفی ارتش و ... شد. در بررسی این ادعا، ابتدا به بیانیه‌های امام اشاره و سپس تأثیر آن‌را بر دستگاه سرکوب بررسی می‌کنیم.

امام در پیام‌ها و بیانیه‌های خویش در طول دوره تحقیق (از ۱۹ دی ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) به‌قدرت ارتش در سرکوب انقلاب توجه داشت. از تحلیل محتوای بیانیه‌ها و پیام‌های امام دو نتیجه استنتاج می‌شود:

۱. بیست و پنج درصد از پیام‌های امام در این مدت به‌نحوی به‌ارتش مرتبط بوده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸) این امر نشان‌دهنده اهمیت ارتش نزد امام است. در تحلیل ما از بیانات امام، ایشان جهت‌گیری خاصی نسبت به‌ارتش داشتند و اعلام کردند که افراد و نیروهای مسلح، مقصر اصلی نیستند، بلکه علت اصلی، آمریکا و اسرائیل و سران ارتش

است و خواهان پیوستن ارتش به ملت شدند. به این ترتیب، خشم مردم را به جای آنکه متوجه ارتش کند، متوجه رژیم شاه و وابستگی شاه به اسرائیل و آمریکا کردند.

۲. راهبردهای امام در رابطه با ارتش، در طول زمان، از اوایل پاییز ۱۳۵۷ شروع شد و به مرور زمان افزایش یافت. ایشان در نودودو مورد، ارتش را مورد توجه خویش قرار داده و در این زمینه مطالبی را بیان کردند. محتوای پیام امام در این رابطه به ترتیب اولویت عبارت است از: دعوت از ارتش برای پیوستن به مردم و کسب استقلال (۵۲ مورد)؛ ارتش ایران، ارتش آمریکا و اسرائیل است و مال ایران نیست (۲۰ مورد)؛ سران ارتش کودتاگر و سرکوب کننده ملت هستند و سربازها تقصیر ندارند (۱۵ مورد) و سران ارتش حامی طاغوت هستند و اعتقاد و پشتوانه مردمی ندارند (۵ مورد).^۱

از تحلیل محتوای راهبردهای امام این گونه استنباط می شود که امام بر اساس یک استراتژی، ابتدا ارتش را آلت دست استکبار جهانی (آمریکا) می خواند و آنها را به پیوستن به مردم و ملت توصیه می کند و سپس خواهان همکاری ارتش با مردم می شود. امام به نقش ارتش در انقلاب واقف و در صدد اصلاح و تزکیه ارتش بود.

تغییرات متقارن افزایش راهبردهای امام و افزایش تمردها و اعلام همبستگی ارتشیان در جدول نشان داده شده است. این جدول نشان می دهد که بین این دو متغیر، رابطه وجود دارد و با افزایش بیانیه های امام درباره ارتش، وضعیت ارتش دچار تغییر می شود. با در نظر گرفتن این تغییرات متقارن، نمی توانیم علت این تغییر را به تلاش رهبر انقلابی ربط دهیم. به عبارت آماری، وجود رابطه بین این دو به لحاظ آماری معنادار نیست، بلکه همبستگی این دو متغیر، به علت فرار شاه در ۲۶ دی ماه بوده است. فرار شاه و افزایش راهبردهای جذبی امام با شروع اعلام همبستگی، افزایش تمردها و افزایش فرار سربازها متقارن است. این جدول، رابطه تعداد راهبردهای امام و وضعیت ارتش ایران را بر اساس گزارشات تاریخی نشان می دهد.

۱. این دسته بندی ها بر اساس تشدید یک جانبه و یک سویه محتوای اصلی یک پیام، مفهوم سازی شده است.

رابطه تعداد راهبردهای امام و وضعیت ارتش

وضعیت ارتش	تعداد راهبردها	ماه
فرار سربازها	۳	قبل از مهر ۱۳۵۷
فرار سربازها	۶	مهر ۱۳۵۷
فرار سربازها، شروع تمرد در ارتش (یک مورد گزارش شده)	۲۱	آبان ۱۳۵۷
فرار سربازها، تمرد ارتش (دو مورد گزارش شده)	۱۲	آذر ۱۳۵۷
شروع اعلام همبستگی با امام، افزایش تمردها، فرار	۲۷	دی ۱۳۵۷
اعلام همبستگی، رژه رفتن در برابر امام، اعلان بی طرفی ارتش	۲۳	بهمن ۱۳۵۷

ما برای نشان دادن رابطه علی میان این دو، به مکانیسم‌های علی اشاره می‌کنیم. بدیهی است که تبلور راهبردهای امام در جهت‌گیری عملی ارتش و مردم قابل بررسی است. از آنجاکه امام خمینی + به‌عنوان یک مرجع تقلید در بین افسران و سربازان شناخته می‌شد، اطاعت از فتواها و فرمان‌های ایشان برای برخی از ارتشیان ضروری و واجب بود. عباس قره‌باغی در زمینه تقلید ارتشیان از امام و مراجع می‌نویسد:

برابر اظهارات سپهبد جعفری (سرپرست شهربانی کشور در شورای امنیت ملی در دولت آقای بختیار)، تعدادی از پرسنل شهربانی کتباً گزارش نموده بودند که از مقلدین آیت‌الله خمینی بوده و نمی‌توانند برخلاف دستورات آیت‌الله عمل نمایند. آیت‌الله‌ها و مراجع تقلید نیز فتوی داده بودند که هر کس به‌رژیم سلطنت خدمت کند، مرتد است. (قره باغی، ۱۳۶۵: ۱۰۳ و ۱۰۴)

وی در ادامه می‌نویسد:

بر اساس استراتژی رهبر انقلاب، از سربازان و درجه‌داران می‌خواهد که به‌وظایف مذهبی و دینی و ملی خود عمل کنند و به‌انقلاب بپیوندند و

پادگانها را تخلیه کرده و از ارتش فرار کنند و دستوره‌های مافوق را اطاعت نکنند و به جنبش ملحق شوند و دیدیم که سربازان ما عکس‌العمل نشان دادند و به پیام امام پاسخ مثبت دادند. (همان: ۱۰۴)

عده‌ای از سرپاسبانان و پاسبانان علاوه بر گزارش کتبی، به طور شفاهی صریحاً اظهار می‌کنند که ما مسلمان و مقلد آیت‌الله خمینی هستیم و نمی‌توانیم بر خلاف اوامر و دستورات آیت‌الله رفتار کنیم، ... (البته مسئله مذهب و تقلید، منحصر به پرسنل شهربانی نبود، بلکه شامل همه افراد و سایر نیروها نیز می‌گردید) اثرات (تقلید از مراجع و امام) آن که به صورت شرکت در تظاهرات با مخالفین و یا اعلام همبستگی با آقای خمینی بود؛ عملاً در پرسنل نیروی هوایی، اداره تسلیحات و اداره جغرافیایی ارتش و یگان هواپیمائی نیروی زمینی و ... خودنمایی کرد. (همان: ۲۰۳ و ۲۰۴)

بدره‌ای (فرمانده نیروی زمینی) در این باره چنین می‌گوید:

تنها کاری که می‌توانند بکنند، صحبت کردن برای افراد است. [فرماندهان] صحبت کنند و روحیه‌شان را بالا ببرند. ولی باید اذعان کنیم قربان که ما هر چقدر صحبت کنیم، با یک سطر روزنامه که آن بالا می‌نویسد آیت‌الله خمینی گفته است که ارتش برادر ماست و از ارتش دفاع بکنند، این واقعاً همه را خنثی می‌کند. یعنی ارتش ما اینقدر ذلیل است که بایستی غیرنظامی‌ها بیایند و از ما دفاع کنند. (بی‌نا، ۱۳۶۶: ۵۰).

نجیمی نائینی (مشاور رئیس ستاد بزرگ‌ارتشتاران) در گفتگو برای حل بحران

چنین می‌گوید:

خوب توده عظیم ... دنبال آقای خمینی هستند هر چه او بگوید گوش می‌کنند، او را مثل خدا و پیغمبر می‌دانند. اگر خمینی دستور بدهد، هیچ تضمینی نیست که سرباز، مرا هم نزند. من، دستور دادم که در منزل خودم، نگهبانهایم با هم حرکت کنند ... چون به اینها می‌گویند که آن شمر و یزید است و آن هم امام حسین. این شمر را اگر بزنی، می‌روی به بهشت. (همان: ۲۳۸)

افسرها در جیبشان عکس خمینی دارند. (همان: ۲۴۳)

در مورد تبلور راهبردهای امام در جهت‌گیری مردم (همکاری با ارتش، حمایت از ارتش، گل‌دادن به ارتش و حمایت از سربازان فراری) این امر کاملاً مشهود بود که یکی از شیوه‌های مبارزه، روش گل و گلوله است که برگرفته از راهبردهای امام بود. ایجاد روابط صمیمی، گل‌دادن، عکس‌گرفتن، بوسیدن سربازها و ... از شیوه‌های توصیه شده امام به مردم بود. این نوع برخورد موجب شد که دستگاه سرکوب نتواند انقلابیان را کنترل و سرکوب کند. فرماندهان ارتش در جلسات خویش برای مقابله با آن، راهکاری را ارائه ندادند و نتوانسته‌اند آن را کنترل کنند. در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

ازهارای (رئیس ستاد ارتشتاران):

اصلاً منطقه آنجا [نزدیک ستاد، روز ۵۷/۶/۱۶]، چون جمعیت زیاد بود آنجا را گل‌باران کردند، خوب این سرباز من چه فکر می‌کند؟ می‌گوید اینها که گل می‌اندازند، من بکشمش، باید جلوگیری بکنیم، جناب آقای شریف امامی بدترین موقع است. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: ۱، ۲۳)

بدره‌ای:

عرض کنم در مورد عکس‌گرفتن و این روابطی که بین مردم و سربازها هست ... که منجر به این شد که آمدند و گل دادند. عرض کنم که پریدند روی کامیون‌ها و سربازها را بوسیدند و بعد سربازها هم تقریباً داشتند کم‌کم واقعاً می‌رفتند به طرف آن اغتشاش‌کنندگان و متظاهرين. (همان: ۴۸)

قره‌باغی:

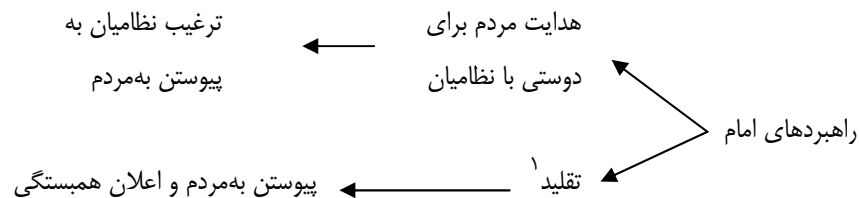
این‌طور به من خبر دادند، این بوده است که ماشین رد می‌شد؛ البته، چند نفر پریدند توی ماشین و بلافاصله شروع کردن به چسباندن عکس‌خیمینی و بغل کردن و بوسیدن [سربازها] و بلافاصله از این صحنه عکس برداشته‌اند. (همان: ۴۷)

بدره‌ای:

به نظر من نباید اصلاً اجازه بدهیم این فکر به مغز یک سرباز خطور کند که

حتی یک گل بگیرد چون شروعش با همین گرفتن گل است ... خطر آن موقعی ما را تهدید می‌کند که بین ارتش و این عده ... نزدیکی، یعنی رفاقت و دوستی برقرار شود. (همان: ۵۹)

حال با توجه به داده‌های مذکور می‌توانیم، این مدل را استنتاج کنیم:



فرهنگ شهادت و روحیه شهادت‌طلبی

آزمون فرضیه سوم: این فرضیه مدعی است که دستگاه سرکوب از کشتار زیادتر به دلیل وسیع‌تر شدن قیام و کشتار زیادتر از مرحله اولیه، اجتناب می‌کرد. به عبارت دیگر، این فرضیه به دوشکل می‌تواند ادعاهایی را مطرح کند که عبارت است از:

۱. کشته‌شدن مخالفین و مراسم عزاداری (چهلم را به چهلم رساندن و به هم متصل کردن تظاهرات) منجر به افزایش فعالیت‌های انقلابیان می‌شود.

۲. روحیه شهادت‌طلبی و فرهنگ شهادت بین انقلابیان موجب شد که کشتار، بی‌فایده باشد؛ زیرا با کشته‌شدن فردی، افراد بیشتری برای شهادت آماده می‌شدند. به عبارت بهتر، استفاده از راهبرد کشتار به دلیل تقدس این امر (کشته‌شدن) و افتخارآمیز بودن این عمل نزد فرد، کارآیی کشتار برای برخورد با انقلابیان را از دست می‌دهد.

با عنایت به شناخت ما از راهکارهای رژیم شاه و راهبرد اصلی دستگاه سرکوب برای مقابله با تظاهرات، یعنی کشتار مردم، این امر به وضوح مشاهده شد که رژیم برای حفظ خود کشتارهای وسیعی را در خیابان‌ها انجام داد. بنابراین، می‌توانیم ادعای فرضیه را رد

۱. ذکر این نکته مهم است که همه ارتشیان از امام تقلید نمی‌کردند، بنابراین تأثیر راهبردهای امام از طریق تقلید، کم بود. پیوستن ارتش به مردم، تحت تأثیر عواملی غیر از تقلید بوده است.

کنیم؛ ولی با این توضیح که کشتار وسیع‌تر از کشتار فعلی، امکان‌پذیر بوده است، می‌توان ادعای فرضیه را حفظ کرد.

تحلیل صورت‌جلسات نشان داد که مقامات ارشد و فرماندهان ارتش به این امر واقف بودند که کشتار وسیع، مسئله‌ساز است و کشتار انقلابیان، موجب وسیع‌تر شدن تظاهرات و کشتارهای وسیع‌تر بعدی می‌شود. آنها در گفتگوهای خویش سعی می‌کردند که از کشتار وسیع‌تر جلوگیری کنند. این موارد بر صحت مطلب دلالت می‌کند:

ازهارى:

هدف اول این است که اغتشاش را از بین ببرند؛ بدون اینکه خونی از دماغ فردی ریخته شود؛ زیرا کشتن چند نفر [موجب می‌شود] که بعداً ده‌ها و صدها نفر کشته شوند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: ج ۲۲)

سپهبد مقدم (رئیس ساواک):

قبلاً اوامر به سلف من صادر گردیده است که کمتر، افراد کشته شوند که اخلاگران نتوانند مراسم چهلم را به چهلم دیگر وصل و بهانه‌ای برای تظاهرات داشته باشند. (همان: ۳۹)

نخست وزیر (شریف امامی):

اما یک مطلب هست، ما باید [به] یک صورتی [عمل] بکنیم، باز بهانه‌ای به دست ندهیم چهار نفر کشته شود. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: الف: ۴۰)

نخست وزیر (شریف امامی):

تا آنجا که مقدور است، خشونت نکنند؛ زیرا اگر کسی کشته شود باز چهلم و هفته و سال درست می‌شود و گرفتاری برای ما درست می‌شود. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: ب: ۳۷)

برای تأیید این امر که روحیه شهادت‌طلبی، راهبرد کشتار را بی‌معنی کرده بود و با

کشته شدن یک شخص، افراد بیشتری آماده کشته شدن و شهادت می شدند (شعار کلاسیک «خون بر شمشیر پیروز است») می توانیم به این نوشته ها و نقل قول ها اشاره کنیم. استمپل می نویسد:

خمینی و پیروان او برنامه ریزی کردند تا از محرم، ماه مقدس اسلامی ... با تکیه بر ایمان، بعنوان دوره ای جهت سرنگونی نظام سلطنتی بهره برداری کنند ... روز عاشورا، همیشه در ایران، ضمن برگزاری مراسم عزاداری، دسته بهم فشرده مردان ... در شهرها و شهرک ها و روستاها راهپیمایی می کنند و به سینه زنی و زنجیرزنی می پردازند. زنجیرزنی را با نظم و آهنگ انجام می دهند. با تنبیه خود و استغاثه بدرگاه خدا برای بخشایش گناهان، خویشان را بقصد وصول به شهادت می زنند. خمینی و مسلمانان ستیزه گر، بدون توجه به بهای پیروزی، پیروزی می خواستند و حاضر بودند تا در راه وصول به هدف، شهید شوند. (استمپل، ۱۳۷۷: ۱۹۹ و ۲۰۰)

محقق (یکی از فرماندهان ارتش) بر این نکته تأکید می کند که تظاهرات کنندگان، شعار «یا مرگ یا خمینی» سر می دادند. (بی نا، ۱۳۶۶: ۲۰۹) وی بر شهادت طلبی انقلابیون و جسارت آنها برای شهادت تأکید می کند و آن را امری غیرقابل کنترل از سوی دستگاه سرکوب می داند. نجیمی نائینی می گوید:

چون نیامدن ایشان [از نظر] مردم مثل اینست که اصلاً جلوی امام حسین را گرفته اید به میدان، عاشورا، کربلا، اصلاً شما جلوی آنها را نمی توانید بگیرید. شاید هزاران نفر بیایند و خودشان را به کشتن بدهند. (همان: ۲۴۰)

نتیجه

ناتوانی در سرکوب انقلابیان یکی از عوامل مؤثر در پیروزی انقلابها است. در انقلاب، ارتش و نیروهای سرکوب و اجبار به عللی توانایی خود را از دست می دهند. این مقاله نشان داد که ماهیت گوناگون و منحصر به فرد انقلابیان، انتخاب گزینه مناسب از سوی

رژیم را برای مقابله با انقلابیان مشکل می‌سازد. شیوه‌های انقلابی‌گری در هر انقلاب منحصر به فرد هستند. آنچه می‌توان درباره همه انقلاب‌ها گفت، این است که سرکوب انقلابیان به علل تنوع شیوه‌های مبارزاتی آنها مشکل می‌شود. انقلابیان با برخورداری از فرهنگ مقاومت و مخالفت، که ریشه در فرهنگ دینی و سیاسی جامعه دارد، از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند.^۱

در انقلاب ایران، تحصن و برگزاری مراسم در مساجد که به‌منظور مبارزه با رژیم شاه انجام می‌شد، به دلیل ریشه‌داشتن در فرهنگ دینی کم‌تر سرکوب شدند. روابط دیپلماتیک نیز با جایگزین کردن گفتمان سیاسی به‌جای گفتمان نظامی، سران و فرماندهان ارتش را به‌صورت روانی متقاعد کرد که راه حل بحران، از طریق گفتمان سیاسی حل می‌شود.

در انقلاب اسلامی ایران، اعلان بی‌طرفی ارتش و همراه شدن آنها با انقلابیان، موجب شد تا کشتار انقلابیان از حد محقق شده آن، فراتر نرود. به‌عبارت بهتر، امکان خشونت از سوی ارتش امکان‌پذیر بود، ولی محقق نشد. هر چند که مبارزه مسلحانه در انقلاب ایران کمتر تأثیر داشت، ولی دستگاه سرکوب در برخورد با این شیوه موفق نبود. اعتصابات نیز که تا حدی منجر به فلج شدن ارتش در برخورد با انقلابیان شد، در انقلاب ایران سرکوب نشد.

تنها شیوه‌ای از مبارزه که سرکوب شد، تظاهرات بود. برخورد نیروهای مسلح شاه (ارتش)^۲ با تظاهرات، استفاده از راهکار کشتار بود. نبود پلیس ضدشورش^۱، به‌کارگیری

۱. جایی که بین فرهنگ رژیم و انقلابیان تعارض وجود داشته باشد، این امر صادق است، ولی در صورتی که فرهنگ دینی رژیم و انقلابیان با هم هماهنگ باشد، ناتوان کردن ارتش، امری سخت است.
 ۲. اکثر ارتش‌های جهان برای مقابله با تهاجمات خارجی شکل می‌گیرند. آنچه درباره ایران منحصر به فرد است، وابستگی ارتش ایران به آمریکا بود. ارتش ایران در راستای سیاست‌های آمریکا و ژاندارم منطقه و مهم‌تر از همه برای مبارزه با جنبش‌های کمونیستی طراحی شده بود.
 در انقلاب اسلامی از ارتش برای مقابله با تظاهرات استفاده شد. استفاده از تسلیحات سنگین (ژ۳، تانک و هواپیما) و عدم استفاده از پلیس ضدشورش در انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده این امر

ارتش در خیابان‌ها را تقویت کرد. عدم استفاده از راهکار دستگیری^۲ به دلیل فضای بین‌المللی و حقوق بشر و نبود امکانات، رژیم را مجبور کرد تا از کشتار استفاده کند، ولی فرهنگ شهادت و روحیه شهادت‌طلبی، استفاد از راهکار کشتار را نیز ناکارآمد ساخت. مراسم چهلم و عزاداری، بسیج سیاسی را در سطح وسیع‌تر ممکن ساخت و آن را به سایر شهرها تسری داد. سران ارتش و فرماندهان رژیم شاه نیز با آگاهی از این امر، کشتار بیشتر را محدود کردند (ضعف در معنای عدم به‌کارگیری راهکار خاص).

علاوه بر موارد مذکور، عامل دیگری نیز ناتوانی ارتش را برای سرکوب، تقویت کرد و آن، بیانیه‌های امام بود که با توجه به بصیرت ایشان درباره قدرت ارتش و همچنین سردرگمی ارتش، زمینه را برای جذب و پیوستن آنها فراهم ساخت.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، یرواند، ۱۳۷۷، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران، نشر مرکز.
۲. _____، ۱۳۸۹، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۳. استمپل، جان دی، ۱۳۷۷، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، نشر نگارش.
۴. اسکاچپل، تدا، ۱۳۷۶ *دولت‌ها و انقلاب اجتماعی*، ترجمه مجید رویین‌تن، تهران، انتشارات سروش.

(ژاندارم منطقه) و نبود مهارت و بصیرت در برخورد با انقلابیان بود. لازم به‌ذکر است که ارتش برای تأمین امنیت خارجی در صحنه بین‌المللی مطرح می‌شود نه برای تأمین امنیت داخلی. بلکه آنچه امنیت داخلی را تأمین می‌کند، پلیس و نیروهای انتظامی هستند.

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: حاضری، علی‌محمد و ابراهیم صالح آبادی، ۱۳۸۳، «ساختار دستگاه سرکوب و فروپاشی رژیم شاه»، تهران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۳.
۲. سیاست‌های ناهماهنگ رژیم که در قالب آزادی زندانیان سیاسی نمود پیدا کرد، از یک سو، موجب تقویت اپوزیسیون به‌واسطه آزادی زندانیان سیاسی شد و در مرحله بعد موجب شد که دستگاه سرکوب نتواند از راهکار دستگیری استفاده کند.

۵. _____، ۱۳۷۹، «حکومت تحصیل دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران»، ترجمه محسن امین زاده، در *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، تدوین عبدالوهاب فراتی، قم، نشر معارف.
۶. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد‌های ۱ تا ۶.
۷. بریتون، کرین، ۱۳۷۰، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو.
۸. بی‌نا، ۱۳۶۶، *مثل برف آب خواهیم شد*، مذاکرات شورای فرماندهان ارتش، تهران، نشر نی.
۹. تیلی، چارلز، ۱۳۸۳، *انقلاب‌های اروپایی*، ترجمه بهاء‌الدین بازرگانی گیلانی، تهران، انتشارات کویر.
۱۰. جانسون، چارلمرز، ۱۳۶۳، *تحول انقلابی*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر.
۱۱. حاضری، علی محمد و ابراهیم صالح آبادی، ۱۳۸۳، «ساختار دستگاه سرکوب و فروپاشی رژیم شاه»، تهران، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۳.
۱۲. درویش سه‌تالانی، فرهاد، ۱۳۷۸، «فروپاشی رژیم شاه در ایران»، در *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. دوورژه، موریس، ۱۳۷۵، *روش‌های علوم اجتماعی*، ترجمه خسرو اسدی، تهران، امیرکبیر.
۱۴. زونیس، ماروین، ۱۳۷۱، *شکست شاهانه*، ترجمه اسماعیل زند و سعیدی، تهران، نشر نور.
۱۵. سمتی، محمدهادی، ۱۳۷۷، «بحران تصمیم‌گیری در دستگاه سیاست خارجی در رویارویی با انقلاب اسلامی»، تهران، *مجله دانشکده حقوق و علوم انسانی*، ش ۳۹.
۱۶. صالح آبادی، ابراهیم، ۱۳۷۹، *بررسی عوامل اجتماعی ضعف دستگاه رژیم شاه در انقلاب اسلامی*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۷. فوران، جان، ۱۳۷۸، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۸. قره باغی، عباس، ۱۳۶۵، *اعترافات ژنرال عباس قره باغی*، تهران، نشر نی.
۱۹. لدین، مایکل و ویلیام لوئیس، ۱۳۶۲، *هزیمت یا شکست رسوای آمریکا*، ترجمه احمد سمیعی (گیلانی)، تهران، نشر ناشر.
۲۰. لطفیان، سعیده، ۱۳۸۰، *ارتش و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. لیتل، دانیل، ۱۳۷۳، *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، نشر فرهنگی صراط.
۲۲. محمدی، منوچهر، ۱۳۷۴، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، تهران، مؤلف.
۲۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ الف، *آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. _____، ۱۳۷۶ ب، *تصمیم شوم جمعه خونین*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۵. _____، ۱۳۷۶ ج، *ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شدیم*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. موحد، ه، ۱۳۶۳، *دو سال آخر، رفرم تا ... انقلاب*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۷. هالیدی، فرد، ۱۳۵۸، *دیکتاتوری و توسعه در ایران*، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران، امیرکبیر.
۲۸. هایزر، رابرت، ۱۳۶۵، *مأموریت در تهران*، ترجمه ع. رشیدی، تهران، اطلاعات.
29. Bradshaw, York and Michael Wallace, 1991, "A Informing Generality and Explaining Uniqueness: The Place of Case Studies in Comparative Research", *International Journal of Comparative Sociology*, January/April.
30. Foran, John, 1997, "Discourses and Social Forces", *The Role*

- of Culture and Cultural Studies, in *Understanding Revolutions*, In Theorizing Revolutions, Rutledge, New York.
31. Mirfakhraei, Hooshmand, 1984, *Imperial Iranian Armed forces and the revolution of Iran*, Microfilms, International University
32. Rasler ,Karen 1996, *Concession, Repression and Political Protest in Iranian Revolution*, American sociology Review ,vol 61.

